

فعالیت سلسله صفی علیشاهی در دوره بازگشت ادبی ایران

ڈاکٹر اعجاز احمد ندیم ☆

Abstract:

It is sad to note that in Iran after safwees but before the beginning of constitutional monarchy the period is considered as very sensitive. The search carried out about this period in Persian language and literature and particularly on the religious mystic topics, is insufficient. In Irani mysticism the Silsila of Safi Ali Shah is considered as most prominent amongst other mystic Silsilas of that period. Haji Mirza Hasan Isfahani, alias, Safi Ali Shah is the founder to this Silsila which is of high value not only by meanings but also the material it contains. In this article the author has tried to bring it to limelight the characteristics of work of Safi Alishah before the readers to make them understand how this silsila has left imprints on Iranian social, political and literary history.

چکیده:

متأسفانه در سالهای بین سقوط صفویه تا استقرار مشروطیه که از حساس ترین دوره های تاریخ ایران به حساب می آید پژوهشهای مستقلی از دست محققان و استادان زبان و ادب فارسی صورت نگرفته است بویژه در علوم دینی و عرفانی.

☆ اسسنت پروفیسر، گورنمنٹ ڈگری کالج، چٹوکی۔

در تصوف ایران سلسله صفی علیشاه یکی از معروف ترین سلسله های تصوف آن دوره است. مؤسس این سلسله حاجی میرزا حسن اصفهانی مقلب به صفی علیشاه است که نه فقط بر مقامات معنوی بلکه به معلومات ظاهری نیز آراسته بود.

نگارنده در این مقاله نگاهی به احوال و آثار صفی علیشاه انداخته و کوشیده است که این نکته بر همه طالبان تصوف و عرفان روشن گردد که چگونه این سلسله در تاریخ اجتماعی و سیاسی و ادبی آن دوره نقش مهمی را ایفا کرده است.

نگاهی به سلسله های تصوف در دوره بازگشت:

در تاریخ ادبیات ایران، دوره سیاسی ایران را که مشتمل بر عهد افشاریه، زندیه و قاجاریه می باشد به نام "دوره بازگشت ادبی" یاد کنیم. شکی نیست که اوضاع ادبی، تحت تأثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی هر جامعه قرار می گیرد و چون در دوره پر آشوب افغانیه و همچنین در دوره سلسله افشاریه و زندیه به سبب جنگها و خونریزی ها و آشوبها، ادبیات فارسی در ایران به صورت عادی پیشرفت نکرد (۱) البته در این دوره اهل تصوف با تصوف گذشته تجدید عهد کرده بودند و علاوه بر سلسله های دیگری مانند قادریه، نقشبندیه، جلالیه و خاکساریه، فعالترین و معروفترین سلسله های صوفیانه دو سلسله، ذهبیه و نعمت اللهیه معروف بوده اند (۲) سلسله صفی علیشاه که یک شاخ عمده ای از مکتب تصوف به نام نعمه اللهیه است، از سلسله های معروف و فعال در تصوف در دوره بازگشت ادبی در ایران به شمار می رود. مؤسس این سلسله صفی علیشاه می باشد (۳)

احوال صفی علیشاه:

شرح حال حضرت صفی علیشاه که بقلم خودشان، اول در تفسیر قرآن

چاپ سنگی و بعداً در رساله "وحید" سال سیزدهم شماره: ۱۸۸ به چاپ رسیده است و هرچه معصوم علیشاه درباره وی در طرائق الحقائق نگاشته است، منابع اصل از شرح حال او به شمار می آید که بنا به آنها می شود گفت که صفی علیشاه که نامش حاجی میرزا حسن اصفهانی می باشد از عارفان و شاعران نامی قرن سیزدهم و چهارم هجری قمری است پدرش محمد باقر اصفهانی که در ضمن کارهای تجارت در سفرها همواره در پی عارفان صاحب دل بود (۴) از مشهورترین خوشنویشان عهد خویش به شمار می رود (۵) صفی علیشاه در سال ۱۲۵۱ هجری در اصفهان دیده به جهان گشود (۶) اجداد وی در اصفهان تجارت می کردند و به خانواده "صابری" مشهور بوده اند، (۷) وی در کودکی همراه با پدرش به یزد رفت و تحصیلات خود را به پایان رسانید (۸) به سن بیست سالگی به شیراز رفت (۹) و به دست حاجی زین العابدین شیروانی ملقب به مستعلی شاه متخلص به تمکین که از نویسندگان و اقطاب و مشایخ بسیار نامی سلسله نعمه اللهیة در عهد قاجاریه است، بیعت کرد و بعد از وفات او به خدمت حاجی زین العابدین مشهور به میرزا کوچک و مقلب رحمت علیشاه که نیز از اقطاب نامی سلسله نعمت اللهیة بود، رسید و صفی علیشاه لقب یافت. در طرائق الحقائق آمده است که: "در بیست سالگی جذب شوق زیارت قطب و الاطاب جناب غفران مآب حاجی میرزا کوچک، ایشان را از صفهان کشیده و از آن جناب شرف قبول ارادت را یافت و در خدمتش به کرمان رفته و روزگاری در صحبت آن مرحوم بسر بردند" (۱۰)

در هر دوره تاریخ، زندگانی عارفان و عالمان و روشنفکران ایرانی در جامعه شبه قاره نقش مهمی را ایفا کرده و برای ترویج مذهب و تصوف و عرفان

در این منطقه کوشش فراوان کرده اند همین علت بود که رحمت علیشاه اورا به بمبئی فرستاد (۱۱) وی در سال ۱۲۸۰ هجری به حج بیت الله رفت و گرفتار مصیبتی شد که بعداً خدا متعال اورا از آن رهائی داد، معصوم علیشاه می نویسد که: "پس از رحلت آن حضرت (حاجی میرزا کوچک) در سنه هزار و دویست و هشتاد از راه هندوستان زیارت بیت الله الحرام را تصمیم عزیزت فرمود در بحر محیط از شکستن کشتی به مهالک افتاده ، عاقبت رهبر قضا و قدر به ساحل نجاتشان رسانیده" (۱۲) پس از فریضه حج بار دیگر به هندوستان مراجعت کرد و مدتی درد کن به سر برد و در همانجا کتاب "زبدة الاسرار" در اسرار شهادت شروع به نظم آوردن کرد و در همین هنگام از رحلت رحمت علیشاه اطلاع یافت و عازم شیراز گردید (۱۳)

بعد از رحلت رحمت علیشاه از مریدان وی، سعادت علیشاه و منور علیشاه دعوی جانشینی وی کردند. صفی علیشاه حرفهای منور علیشاه را قبول کرد و وی نیز صفی علیشاه را مأمور نمود که بار دیگر به هند رفته و از مریدان سلسله نعمت اللهیه تجدید عهد بگیرد صفی علیشاه به هند رسید و کتاب "زبدة الاسرار" را به تکمیل رسانید.

بعد از آن از هند برگشت و به اکثر نقاط ایران و عراق سیاحت کرد (۱۴) آخر در تهران مأموریت یافت و در حیات شاهی اقامت اختیار کرد، لازم به تذکر است که صوفیان ایرانی برای تبلیغ و نگاه داشتن مذهب اسلام در ایران زحمت بسیار می کشیدند و یکی از زحمت های ایشان بنا کردن خانقاه ها و آیین و رسوم مخصوص به آنها بود و این روشن در بین صوفیان، همیشه در ایران رائج بوده است و برای ترویج اسلام و تصوف به جای خودش دارای اهمیت خاصی می باشد. لذا در سال ۱۲۹۴

هجری یکی از مریدانش محمد میرزا سیف الدوله نوه فتح علیشاه قاجار زمینی برای خانقاه به صفی علیشاه هدیه کرد و او در آنجا خانقاهی بنا کرد.

پایه گزاری سلسله صفی علیشاه:

اما مدتی نگذشت که اختلافاتی بین صفی علیشاه و منور علیشاه پیش آمد و درباره این اختلافاتی در تاریخ عرفان و عارفان ایرانی آمده است: "این اختلافات هنگامی که حاج آقا محمد منور علیشاه با جمعی از مریدان خود به هند می رفت و برای زیارت مشهد مقدس به تهران آمده بود بالا رفت و منور علیشاه صفی علیشاه را از مقام ارشاد خلع کرد از این زمان صفی علیشاه که داعیه ارشاد داشت در اثر حسن خلق و رفتار ملایم و مردم داری و تسلط به مباحث عرفانی بطور مستقل به ارشاد مریدان مشغول شد و دیری نگذشت که کار ارشاد وی نضج گرفت و سلسله صفی علیشاه را پایه گزاری نمود" (۱۵) و به دستگیری طالبان این فرقه مشغول شد. در طراق الحقائق درج است که: "وی پس از رحلت رحمت علیشاه مدتی به ارادت منور علیشاه درآمد اما بعد داعیه استقلال یافت و خود را بلاواسطه به رحمت علیشاه منسوب داشت" (۱۶)

یک عارف صادق نمی تواند از مسائل مردم بر کنار باشد همین علت است که وی همراه با اندیشه و کردار خودش اخلاق مردم عمومی راه به سمت درست راهنمایی می کنند. می شود گفت که صوفی را در تصوف و عرفان اثری عمیق است صفی علیشاه نیز این کار مهمی را به طریق احسن به پایان رسانید و سرانجام در آن خانقاهی که بنا کرده بود، در حدود هشت سال به عبادت مشغول بود و وقتی که در سال ۱۳۱۶ هجری بمرض دل درد از دنیا رفته و مدفون گردید. از وی سه فرزند، یک پسر به نام نورالدین شاه و دو دختر به نام شمس الضحی و

نورالهدی به یادگار ماند (۱۷) در مقدمه بحرالحقایق مولوی ضیالالدین گیلانی می نویسد که وی "دارای نفس مطمئنه ناطقه بوده اند نفس ناطقه نفسی است که بواسطه ریاضات فوق الطاقه نصیب میشود و انسان گوشه باطنی از خداوند دریافت می کند و بگوش خدائی می شنود و بچشم خدایی می بیند این مطالب از فهم عموم قاصر است تانشوی ندانی.

حضرت صفی سه روز تب خفیفی کردند هنگام وفات اول عده زیادی مریدان را که در خانقاه بودند بحضور طلبیده بعد زنها را چنین فرمودند خدا را فراموش نکنید دائماً مشغول ذکر باشید از همدیگر جدا نشوید متحد باشید خود شان قطیفه را بسر کشیده باکمال راحتی از دنیا رفتند مؤمن آنهم چنین مؤمن کامل صادق بمرض دل درد از دنیا نمی رود اما کراماتی که غیر از قوه بیان و تفسیر داشته اند و از طرف جناب وفا علیشاه (یکی از مریدان وی) وسایرین بسیار نقل شده است: وقتی مریدی از طایفه نسوان اهل گیلان نقل نمود بواسطه کسالت عارضه صبح ماه رمضان مرغی پخته خورده به خانقاه مشرف خدمت پیر شده بودم آقا پرسیدند روزه هستی عرض کردم بلی چون دروغ گفتم فرمودند پس مرغ پخته را کجا گذاشتی خانم گفت سرتا پا غرق عرق گشتم که چرا به پیر خود دروغ گفتم ممکن نیست پیران کامل علم ضمیر نداشته باشند. علم ضمیر چندان غریب نیست بوسیله مجاهدات قلب بطوری صاف می شود که خوب و بد مانند در آینه آنجا منعکس می گردند این غیب گوئی نیست غیب را جز خدا کسی نمی داند غیب یعنی اراده های خداوند اما علم ضمیر غیر از غیب است وقتی انسان بزرگ شد مسلط به نفوس زبردست خود می شود مانند علم ما نیتیسیم و اسپریتیسیم که بواسطه تصرف شخص رامی خوابا نند و مسائلی سوال

می کنند و جوابهای صحیح می گیرند“ (۱۸) صفی علیشاه از ادب و شعر به ویژه عرفان بهره تمام داشته و در زبان عربی نیز چنانکه از آثارش پیدا است تسلط داشته است (۱۹) از تألیف و آثار او است:

۱. زیده الاسرار: مثنوی مفصلی است که در اسرار شهادت و تطبیق باسلوک الله سروده شده است.

۲. بحر الحقایق: این مثنوی مفصلی است که بر شیوه گلشن راز سروده شده است صفی علیشاه در این مثنوی اصطلاحات عرفانی و دینی و سیر و سلوک را بنظم و شرح تفسیر فرموده است.

۳. میزان المعرفة: رساله ای عرفانی به نثر است

۴. عرفان الحق: رساله ای است به نثر که در آن گاهگاه شعر هائی هم مندرج است این رساله باوجود اختصار مشتمل بر تمام اصول تصوف و عرفان است.

۵. تفسیر قرآن: که به تفسیر صفی معروف و در مدت در سال تمامی قرآن مجید را علاوه بر ترجمه صحیح تحت اللفظی فارسی، تفسیری نظمی ادبی فلسفی عرفانی نوشته و این رباعی ماده تاریخ اتمام آن می باشد:

من خوبترین ترجمه قرآنم من معجزه نیی بهیس برهانم
تاریخ خود از زبان خودمی گویم ”تفسیر صفی هادی گمراهانم“ (۲۰)
(۱۳۰۷)

۶. دیوان صفی علیشاه: دیوان صفی علیشاه که مشتمل بر غزلیات و قصاید و ترجیحات و مسمطات و رباعیات می باشد بجای خود از بهترین و شود انگیز ترین آثار اور محسوب می شود و با مقدمه دکتر تقی تفضلی به کوشش منصور مشفق نیز به چاب رسیده است.

پیروان سلسلہ صفی علیشاہ:

پس از درگذشت صفی علیشاہ ، میرزا علیخان قا جار مقلب بہ ظہیر الدولہ ک لقب طریقتی او ”صفا علیشاہ“ بود برمسند ارشاد تکیہ زد۔ میرزا علیخان در سال ۱۲۸۱ ہجری در جمال آباد شمیران دیدہ بہ جہان گشود۔ پدرش محمد ناصر خان سالہا وزارت دربار ناصرالدین شاہ قاجار را بہ عہدہ داشت و دو بار بہ حکومت شیراز رسید۔ میرزا علیخان در مأموریت دوم پدرش بہ شیراز ، نذد میرزا شفیعا شیرازی (ادیب و شاعر) درس خواند و صرف و نحو عربی و ادبیات فارسی را یاد گرفت و بعد از وفات پدرش در سال ۱۲۹۳ ہجری از طرف ناصرالدین شاہ بہ خدمت دربار درآمد و در سال ۱۲۹۶ ہجری بہ وزارت تشریفات دربار منصوب گردید و لقب ”ظہیر الدولہ“ بہ او دادہ شد۔ ظہیر الدولہ ۱۲۹۷ ہجری با دختر ناصرالدین شاہ ازدواج کرد۔ بپس در سال ۱۳۰۳ ہجری بہ خدمت صفی علیشاہ رسید و بہ سلسلہ فقر پیوستہ شد و زودی مراتب سلوک را با موفقیت طی نمود و بہ چلہ نشینی و ذکر و فکر پرداخت۔ صفی علیشاہ اورا بہ خاطر اخلاق و فعالیت وی در این طریق لقب ”صفا علیشاہ“ دادہ و جانشین خود نمود و ارشاد و دستگیری طالبان را بہ عہد وی گذاشت ، در این میان روزی بہ امر صفی علیشاہ ، بالباش درویشی، کشکول بدست از منزل خود واقع در خیابان فردوسی فعلی، آہستہ و قدم زنان و مدح علی (ع) گویان بہ سوی خانقاہ صفی علیشاہ روانہ گردید وقتیکہ در سر چہار راہ استانبول اشعاری در مدح حضرت علی (ع) با صدای بلند خواند مردم خیلی تعجب کردند کہ وزیر تشریفات دربار و داماد ناصرالدین شاہ با لباس درویشی در میان مردم بہ مداحی شاہ ولایت می پردازد۔ بہ همین علت در کشکول او سکہ های طلا و نقرہ می

ریختند . ظہیرالدولہ ہنگامی کہ باہمان ہیئت بہ خدمت صفی علیشاہ رسید ، صفی علیشاہ از حالت شوق کہ در او بہ وجود آمدہ بود بسیار خوشحال شد . بعد از آن ظہیرالدولہ آنقدر بہ ترکیہ نفس کوشید کہ در عالم معنویت و تصوف مقام ممتاز را بدست آورد و از طرف صفی علیشاہ بہ جانشینی او برگزیدہ شد و از اجازہ دستگیری و ارشاد طالبان طریقہ صفی علیشاہ را یافت و پس از وفات صفی علیشاہ بر مسند ارشاد این طریقہ نشست و ”انجمن اخوت“ را کہ بہ دستور صفی علیشاہ در سال ۱۳۰۵ ہجری بہ صورت غیر رسمی و پنهانی تشکیل گردیدہ بود و جلسات این انجمن بکلی مہرمانہ در حضور صفی علیشاہ منعقد می شد ، افتتاح کرد و خود بہ عنوان رئیس آن شروع بہ فعالیت نمود . گویند کہ تعداد مریدان وی در تہران و شہرستانہای دیگر بہ چند ہزار نفر رسیدہ بود و این اندازہ در سلاسل تصوف کشور ایران در قرن اخیر بی سابقہ بود ظہیرالدولہ بہ ترتیب حکومت شہرہای شیراز و مشہد و گیلان و مازندران و کرمانشاہ و تہران و ہمدان و در مدت اقامت در مشہد سرپرستی آستان قدس رضوی را بہ عہدہ داشتہ است . نظامنامہ ای کہ از طرف یمین الدولہ جہت انجمن اخوت تہیہ شدہ بود ، ظہیرالدولہ آن را تصحیح نمودہ و بہ اجرا گذارشت در زمان وی ہر سال جشن تولد حضور اکرم و حضرت علی (ع) و عید غرید و جشن عید نوروز برپا می شد . در عہد اول سلطنت احمد شاہ قاجار سہ شب جشن مفصلی در انجمن اخوف برپا داشت و سیزدہ ہزار تومان اعانہ جمع شد این جشن را ”جشن نصرت ملی“ نام نہادند انجمن اخوت در بیداری ایرانیان در دورہ قاجاریہ و استقرار مشروطہ در ایران نیز سہمی دارد . (۲۱) در مقدمہ بحر الحقایق درج است کہ انجمن اخوت بعد از حضرت صفی علیشاہ بیش از ۵۰۰۰۰ نفر را مشرف بعالم فقر کردہ و

تلقین ذکر الله نموده است (۲۲) گویند که محمد علیشاه در سال ۱۳۲۶ هجری خانه ظهیرالدوله و انجمن اخوت را غارت کرد و سه نفر در خانقاه صفی علیشاه کشته شدند. ظهیرالدوله سه سال آخر حیات خویش را مانند صفی علیشاه به عزلت گزرانیده و کسی را در این مدت به درویشی نپذیرفت تا در سال ۱۳۴۲ هجری چشم از جهان فرو بست و در باغ ای واقع در تجریش در نزدیک امام زاده قاسم شمیران مشهور و مدفن بسیار از اهل شعر و ادب و عرفان است، مدفون گردید. از آثار وی "سبحه صفا" که شامل حکایت‌های کوچک منظوم به وزن مثنوی مولوی است "مرآت الصفی" و "رعنا و زیبا" داستان منظوم و "مجمع الاطوار" و "رساله روح الارواح" معروف اند وی در شعر "صفا" تخلص می کرد (۲۳)

برادر کوچک صفی علیشاه بنام محمد رضا متخلص به "حضور" نیز شعری گفت و صرف و نحو و فقه و منطق و معانی و بیان و هیأت و نجوم و حکمت الهیه و زبان فرانسه نیز فرا گرفته بود (۲۴) از پیروان این طریقه بود علاوه بر آنها میرزا محمود خان نائینی، معصوم خان کرمانی، حاجی محمد ابراهیم- نمازی، میزا عبدالکریم معروفعلی در شیراز نواب شمس در یزد سید حسینی درهند. نائب الصدر سمانی، حاجی سیف الدوله برادر ناتنی عین الدوله در تهران، حاجی ملا محمد عباس علی کیوان قزوینی نیز هستند که برای ترویج و پیشرفت این سلسله کوششهای فراوان کرده اند. (۲۵)



ماخذ و پانوشتها

۱. ندیم، دکتر اعجاز احمد، فارسی گویان ایرانی در شبه قاره، آرش پبلشرز، چاپ اول، لاهور، ۲۰۱۰ میلادی، ص ۳
۲. خاتمی، دکتر احمد، تاریخ ادبیات ایران در دورۀ بازگشت، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ش، جلد: ۱، ص ۷۷
۳. ندیم، ص ۱۷۴
۴. رفیع، عبدالرفیع حقیقت، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی، انتشارات کومش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۷۱۸
۵. خاتمی، جلد: ۱، ص ۱۸۸
۶. شرح احوال مولانا حاج میرزا حسن اصفهانی صفی علیشاه، وحید، سال سیزدهم، شماره: ۱۸۸، ص: ۱۰۵۶
۷. بیگی شیرازی، سید احمد دیوان، حدیقه الشعراء، باتصحیح و تکمیل و تحشیه، دکتر عبدالحسین نوائی، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۴ش، جلد: ۲، ص: ۱۰۳۲
۸. مشار، خان بابا، مؤلفین کتب چابی فارسی و عربی از آغاز تاکنون، جلد: ۲، ص: ۵۱۷
۹. محبوب، محمد جعفر، طرائق الحقائق، محمد معصوم شیرازی، معصوم علیشاه به کوشش، انتشارات سنائی، تهران، ۱۳۴۵ش، جلد: ۲، ص: ۴۴۲
۱۰. محبوب، محمد جعفر، طرائق الحقائق، معصوم علیشاه، محمد معصوم شیرازی، کتابخانه سنائی، تهران، جلد: ۳، ص: ۴۴۴
۱۱. رفیع، ص: ۷۱۹
۱۲. محبوب، جلد: ۳، ص: ۴۴۴
۱۳. وحید، سال سیزدهم، ص: ۱۰۵۸
۱۴. رفیع، ص: ۷۱۹

۱۴. مجله تحقیق، جلد ۳۲، شماره ۸۵، اکتوبر-دسمبر ۲۰۱۱ء
۱۵. همانجا، ص: ۲۴۵
۱۶. محجوب، جلد: ۳، ص: ۴۴۳
۱۷. وحید، سال سیزدهم، ص: ۱۰۵۹
۱۸. گیلانی، مولوی ضیاء الدین، بحر الحقایق تالیف حاج میرزا حسن اصفهانی
صفی علیشاه کتابخانه سنائی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۳ ش، ص پنج. شش
۱۹. رفیع، ص: ۷۱۹
۲۰. مدرس، محمد علی تبریزی، ریحانه الادب، انتشارات خیام، چاپ چهارم،
تهران، ۱۳۷۴ ش، جلد: ۳، ص: ۴۶۶
۲۱. رفیع، ص: ۷۲۷-۷۲۵
۲۲. گیلانی، ص: هشت
۲۳. رفیع، ص: ۷۲۷
۲۴. بیگی، جلد: ۱، ص: ۴۷۳
۲۵. رفیع، ص: ۷۲۷

